



پزشکیان در آیین ملی آغاز سال زراعی:

در برابر

قندری

سرخم

نمی‌کنیم

صفحه ۷



یکشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۵
۲۹ ربيع‌الثانی ۱۴۴۸
۱۱ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۶۲۷۳
۸ صفحه
۴۰۰۰ تومان

«ابتکار» ماجرای واگذاری ۱۱۰ هکتار زمین به افغانستان را بررسی می‌کند

تجارت با طالبان به

چه قیمتی؟

گروه سیاسی – هنوز جزئیات توافق احتمالی ایران و افغانستان درباره اختصاص ۱۱۰ هکتار زمین در چابهار روشن نشده که این موضوع به یکی از بحث‌برانگیزترین اخبار اقتصادی و سیاسی روزهای اخیر تبدیل شده است. ماجرا از اظهارات محسن زنگنه، نماینده مجلس، آغاز شد که از توافق با مقام‌های افغانستان برای اختصاص بخشی از اراضی بندر چابهار به این کشور خبر داد. اگر چه او پس از انتشار گسترده سخنانش تأکید کرد که منظور، واگذاری مالکیت خاک ایران نبوده و صرفاً زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی است، اما این توضیحات نیز نتوانسته تمام پرسش‌ها درباره ابعاد توافق را برطرف کند.

به گزارش یورونیوز، زنگنه در گفت‌وگو با شبکه سحر افغانستان اعلام کرده بود که پس از مذاکرات با وزیر صنعت و تجارت طالبان، درباره اختصاص حدود ۱۰ هکتار زمین در محدوده بندر چابهار و بیش از ۱۰۰ هکتار در منطقه آزاد اقتصادی این بندر تفاهم شده است. او در توضیح این موضوع از فراهم شدن امکان ایجاد منطقه‌ای برای فعالیت اقتصادی افغانستان سخن گفته بود؛ عبارتی که به دلیل حساسیت موضوع مالکیت اراضی و حاکمیت ملی، واکنش‌هایی را در داخل کشور برانگیخت.

زنگنه در توضیحات بعدی خود، ادعای واگذاری خاک ایران را رد کرد و گفت هدف از این تفاهم، ایجاد زیرساخت‌های تجاری، انبارداری و بندر خشک برای سرمایه‌گذاران افغانستانی است. به گفته او، چنین اقدامی می‌تواند دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد را تسهیل کرده و به توسعه روابط اقتصادی دو کشور کمک کند.

شرح در صفحه ۷



«ابتکار» از تازه‌ترین تحولات جنگ در بین گزارش می‌دهد

ریاض در تنگنای

جنگ تازه

صفحه ۷



هیچ‌کس به فرمایش توجه نمی‌کند!

بانک مرکزی وسط

چهارراه ارز

صفحه ۶



ظریف در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران مطرح کرد

دچار ناترازی شناختی

هستیم

صفحه ۶

یادداشت

مهدی سیف *

چه اتفاقی می‌افتد که یک شهر، برای انسان به «شهر من» تبدیل می‌شود؟ آیا متولدشدن در یک شهر کافی است؟ آیا سال‌های طولانی سکونت، به‌تنهایی احساس تعلق ایجاد می‌کند؟ یا برای اینکه شهری را از آن خود بدانیم، باید میان زندگی ما و آن شهر، پیوندی عمیق‌تر شکل بگیرد؟

ممکن است کسی سال‌ها در تهران زندگی کند، اما همچنان احساس کند در این شهر غریبه است. در مقابل، فردی که مدت کوتاه‌تری ساکن تهران شده، ممکن است از طریق روابط انسانی، تجربه‌های مشترک و فرصت مشارکت، پیوندی محکم با آن پیدا کند.

بنابراین، وقتی از تعلق به تهران سخن می‌گوییم، درباره کیفیت رابطه انسان و شهر صحبت می‌کنیم؛ رابطه‌ای که در آن، شناخت، خاطره، تجربه، دیده‌شدن و امکان اثرگذاری اهمیت دارند. روایت می‌تواند این عناصر را به یکدیگر پیوند دهد.

اما منظور از روایت شهر چیست؟ روایت شهر، شیوه‌ای است که با آن به تجربه زندگی در شهر معنا می‌دهیم. وقتی می‌گوییم یک محله چگونه تغییر کرده، یک مکان چه نقشی در زندگی مردم داشته یا خانواده‌ای چگونه زندگی خود را در تهران آغاز کرده، در حال روایت‌کردن شهر هستیم.

در این روایت‌ها، خیابان‌ها و ساختمان‌ها با زندگی انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کنند. یک میدان، محل یک دیدار می‌شود؛ یک مدرسه، آغاز دوستی‌های ماندگار؛ و یک ایستگاه، نقطه شروع فصل تازه‌ای از زندگی.

از همین‌جا می‌توان به محور نخست بحث رسید: گذر از سکونت در تهران به احساس خانه‌بودن تهران. سکونت، به حضور ما در یک مکان اشاره دارد؛ اما احساس خانه‌بودن، با آشنایی، امنیت، پذیرفته‌شدن و معناداربودن حضورمان پیوند دارد. وقتی احساس می‌کنیم در جایی ریشه داریم، روابطمان در آن ارزشمند است و آینده‌مان به آن گره خورده، آن مکان برای ما معنای خانه پیدا می‌کند.

تهران برای ساکنان‌ش آغازهای متفاوتی دارد. برای کسی، تهران از کوچه کودکی آغاز شده است. برای دیگری، از ایستگاه راه‌آهن یا ترمینال جنوب؛

از روزی که برای کار، تحصیل یا ساختن زندگی تازه‌ای وارد شهر شده است. برای فردی دیگر، تهران با دانشگاه، نخستین شغل یا تولد فرزندش معنا پیدا کرده است.

روایت این تجربه‌ها نشان می‌دهد که راه تعلق به تهران، برای همه یکسان نیست. شهر باید ظرفیت پذیرفتن این مسیرهای متفاوت را داشته باشد تا افراد بتوانند خود را جزئی از آن بدانند.

نکته دوم، رابطه خاطره‌های فردی و حافظه جمعی است.

هرکدام از ما نقش‌های شخصی از تهران در ذهن داریم. در این نقشه، بعضی مکان‌ها برجسته‌ترند؛ خانه‌ای که در آن بزرگ شده‌ایم، مسیری که هر روز پیاده‌ایم یا بوستانی که بخشی از زندگی خانوادگی‌مان در آن گذشته است.

وقتی این خاطره‌ها بیان می‌شوند، امکان پیوند میان تجربه‌های فردی فراهم می‌شود. خاطره یک نفر از مدرسه‌ای قدیمی، خاطره دیگری را زنده می‌کند.

در چنین فعالیت‌هایی، مردم در تولید شناخت از تهران نقش پیدا می‌کنند. بخشی از گذشته شهر به موضوع شناخت و گفت‌وگوی مشترک تبدیل می‌شود.

حافظه جمعی به معنای یکسان‌بودن خاطره همه مردم نیست. مردم ممکن

آیا روایت تهران، می‌تواند احساس تعلق بسازد؟

است از یک مکان یا یک دوره، تجربه‌های متفاوت و حتی متعارض داشته باشند. ارزش روایت در این است که اجازه دهد این تفاوت‌ها شنیده شوند.

تهران هم خاطره فرصت و پیشرفت دارد و هم خاطره دشواری و محرومیت.

روایت معتبر شهر باید ظرفیت مواجهه با هر دو را داشته باشد. احساس تعلق زمانی عمیق‌تر می‌شود که مردم ببینند تجربه واقعی زندگی‌شان در تصویر شهر جایی دارد.

نکته سوم، جایگاه محله‌ها، مکان‌ها و میراث فرهنگی است.

تهران در مقیاس کلان، ممکن است برای بسیاری از ما گسترده و دور

از دسترس به نظر برسد؛ اما در مقیاس محله، رابطه با شهر نزدیک‌تر

می‌شود. محله جایی است که شهر را در زندگی روزمره تجربه می‌کنیم؛ در سلام‌کردن به همسایه، خرید از مغازه آشنا، رفتن به مدرسه و استفاده از فضای عمومی.

از این منظر، محله یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری تعلق است.

شناخت تاریخ محله و شنیدن تجربه ساکنان آن می‌تواند به ما نشان دهد که

این فضا چگونه ساخته شده و چه روابطی در آن جریان داشته است.

مکان‌های تاریخی و میراث فرهنگی نیز چنین نقشی دارند. ارزش یک بنای تاریخی، علاوه بر ویژگی‌های معماری و قدمت آن، به ارتباطش با زندگی

اجتماعی شهر بازمی‌گردد. باید پرسید چه کسانی در آن زندگی با کار کرده‌اند، چه تجربه‌هایی پیرامون آن شکل گرفته و امروز چه معنایی برای مردم دارد.

وقتی این پیوندها روشن شود، حفاظت از میراث، برای شهروندان معنای ملموس‌تری پیدا می‌کند. آن‌ها بهتر درمی‌یابند که با ازبین‌رفتن یک مکان، چه

بخشی از امکان شناخت گذشته و انتقال تجربه‌ها از دست می‌رود.

البته حفظ خاطره شهر الزاماً به معنای ثابت نگه‌داشتن همه‌چیز نیست.

شهر تغییر می‌کند و نیازهای تازه‌ای پیدا می‌کند. مسئله این است که تغییر، با شناخت ارزش‌های مکانی و شنیدن صدای مردمی همراه باشد که زندگی‌شان

با آن مکان پیوند خورده است.

نکته چهارم، تهران به روایت مردم است.

در اینجا باید پرسیم؛ چه کسانی فرصت دارند تهران را روایت کنند و صدای

چه کسانی کمتر شنیده می‌شود؟

تجربه یک سالمند از محله، با تجربه یک نوجوان یکسان نیست. فرد دارای

معلولیت، جنبه‌هایی از شهر را می‌بیند که ممکن است از نگاه دیگران پنهان

بماند. زنان، کودکان، کسبه، کارگران و مهاجران نیز تجربه‌های متمایزی از

زندگی شهری دارند.

اگر بخواهیم تهران را بهتر بشناسیم، باید برای این صداهای متنوع مجال

بیان فراهم کنیم. اهمیت این کار، هم در شناخت دقیق‌تر شهر است و هم در

احترامی که به تجربه شهروندان می‌گذاریم.

فردی که احساس می‌کند داستان زندگی‌اش ارزش شنیده‌شدن دارد،

آسان‌تر می‌تواند خود را در تصویر مشترک شهر پیدا کند. به همین دلیل، ثبت

تاریخ شفاهی محله‌ها، گردآوری عکس‌های خانوادگی با رضایت صاحبانشان و

گفت‌وگو میان نسل‌ها، می‌تواند بخشی از سیاست فرهنگی شهر باشد.

در چنین فعالیت‌هایی، مردم در تولید شناخت از تهران نقش پیدا می‌کنند.

آن‌ها درباره شهری سخن می‌گویند که هر روز آن را زندگی می‌کنند.

نکته پنجم، نقش رسانه در بازشناسی شهر است.

رسانه می‌تواند توجه ما را به مکان‌ها، آدم‌ها و تجربه‌هایی جلب کند که در

زندگی روزمره از کنارتشان عبور می‌کنیم. شیوه معرفی یک مکان اهمیت دارد؛

اینکه فقط اطلاعات از آن را ارائه کنیم یا ارتباطش را با زندگی مخاطب نیز نشان

دهیم.

در تجربه تهیه مطالب آیتمی در برنامه «چمدون» رادیو تهران، یکی

از دغدغه‌های من همین بوده است: چگونه می‌توان معرفی یک مکان را

به پرسشی درباره زندگی مردم پیوند داد؟ برای مثال، موزه پست می‌تواند

دریچه‌ای برای سخن گفتن از انتظار، ارتباط و تجربه نامه‌نگاری باشد ودر عین

حال روایت باغ موزه نگارستان، دریچه‌ای برای صحبت از خستگی از هیاهوی

شهر. این نمونه نشان می‌دهد که روایت رسانه‌ای، با نزدیک‌کردن موضوع به

تجربه انسانی، می‌تواند زمینه توجه و شناخت را فراهم کند. البته لازم است

روایت، دقیق و مسئولانه باشد؛ به‌ویژه وقتی درباره گذشته و خاطره‌های مردم

سخن می‌گوییم.

نکته ششم، پیوند شناخت، تعلق و مشارکت است.

شناخت شهر می‌تواند به درک ارزش‌های آن کمک کند. این درک، در کنار

تجربه مثبت زندگی شهری، می‌تواند احساس تعلق را تقویت کند و انگیزه‌ای

برای مراقبت و مشارکت به وجود آورد.

کسی که سرگذشت یک مکان یا می‌شناسد یا در ثبت خاطره‌های محله‌اش

نقش داشته، ممکن است نسبت به آینده آن حساس‌تر شود. با این حال، این

رابطه قطعی و خودکار نیست.

برای تبدیل تعلق به مشارکت، باید امکان اثرگذاری وجود داشته باشد.

شهروند باید بداند نظارش شنیده می‌شود، مسیر مشارکت روشن است و

حضور او می‌تواند نتیجه داشته باشد. کیفیت خدمات، عدالت در دسترسی به

امکانات و احترام به حقوق شهروندان، پشتوانه عملی این رابطه‌اند.

روایت زمانی اثر ماندگارتری دارد که با تجربه روزمره مردم سازگار باشد. از

همین رو، برنامه‌های فرهنگی و اقدامات شهری باید در پیوند با یکدیگر دیده

شوند.

و سرانجام، به آینده تهران می‌رسیم. پرسش مهم این است که گذشته چه

کمکی به ساختن فردا می‌کند؟

روایت گذشته به ما فرصت می‌دهد ارزش‌ها، تجربه‌ها و خطاها را بشناسیم.

می‌توانیم از خاطره همسایگی درباره روابط اجتماعی بیاموزیم، از تغییرات

محله‌ها درباره پیامدهای تصمیم‌های شهری سؤال کنیم و از تجربه نسل‌های

پیشین برای فهم نیازهای امروز بهره بگیریم.

در عین حال، نسل جدید نیز باید امکان ساختن خاطره و افزودن روایت خود

را داشته باشد. آینده مشترک، به شهری نیاز دارد که هم گذشته‌اش را بشناسد

و هم برای شیوه‌های تازه زندگی و آرزوهای شهروندانش جا باز کند.

پس در پاسخ به پرسش اصلی می‌توان گفت: روایت تهران از راه معنادارکردن

مکان‌ها، پیوندنن تجربه‌ها، به‌رسیت‌شناختن صداهای متنوع و فراهم‌کردن

زمینه گفت‌وگو، می‌تواند احساس تعلق بسازد.

این ظرفیت زمانی به ثمر می‌رسد که مردم، علاوه بر شنیده‌شدن، فرصت

مشارکت در ادامه داستان شهر را داشته باشند.

تهران زمانی برای ما «شهر من» می‌شود که بتوانیم بخشی از زندگی خود را

در آن ببینیم؛ و زمانی («شهر ما») می‌شود که برای زندگی و روایت دیگران نیز

در آن جا باز کنیم.

*مدرس فرهنگ و رسانه

روستاییان و عشایر سرمایه‌های بی‌بدیل کشور هستند

رییس جمهور تأکید کرد: دولت برای حل مشکلات و رفع نیازها در کنار همه مردم به‌ویژه روستاییان و عشایر است.

پزشکیان همچنین در پایان این بازدید در دفتر یادبود نمایشگاه با درود و سلام به همه مردم ایران و روستاییان و عشایر فداکار، کار آفرین و متعهد، نوشت: ما تا جان در بدن داریم خدمتگار مردم غیرتمند ایران قهرمان خواهیم بود.

این نمایشگاه و در جمع روستاییان و عشایر تولیدکننده

کشور، گفت، حضور در جمع این عزیزان اصل زندگی

است.

پزشکیان در پاسخ به سوالی درخصوص پیامش به

دشمنان مردم ایران و تهدید کنندگان کشور، گفت:

حضور فعال سرزنده و با نشاط مردم در این نمایشگاه

پیام روشنی برای دشمنان دارد که از تهدیدات هیچ ترسی

ندارند.

پزشکیان در بیان احساس خود از حضور در

روستایان و عشایر کشور، گفت: روستاییان و عشایر

سرمایه‌های بی‌بدیل کشور هستند و با تولید محصولات

مختلف، نقش مهمی در تأمین نیازهای مردم و کشور

دارند.

رییس جمهور در بیان احساس خود از حضور در

رئیس‌جمهوری با تأکید بر نقش روستاییان و عشایر در

تولید و تأمین نیازهای کشور، آنان را سرمایه‌های بی‌بدیل

ایران دانست و بر همراهی دولت برای حل مشکلات و

رفع نیازهای این قشر تأکید کرد.

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور صبح شنبه ۱۸ مهر از

غرفه‌های مختلف تولیدات و توانمندی‌های استان‌های

کشور بازدید کرد و از نزدیک در جریان ظرفیت‌ها،

محمولات و توانمندی‌های ارائه‌شده از سوی روستاییان

واکنش‌های مقامات ایران به اظهارات روبیو

تاریخ در خدمت سیاست

ابتکار- سخنان اخیر مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، درباره ایران باستان و جنگ‌های هخامنشیان با یونان، موجی از واکنش‌ها را در میان مقام‌های ایرانی برانگیخته است. روبیو که برای دیدار با مقام‌های یونانی به آتن سفر کرده بود، در سخنرانی هفتم اکتبر خود در محوطه تاریخی پنیکس با اشاره به لشکرکشی خشایارشا در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، روایتی از تقابل ایران و یونان ارائه داد و آن را به ضرورت احیای قدرت و هویت تمدن غرب پیوند زد؛ روایتی که از نگاه منتقدان ایرانی، تلاشی برای استفاده از تاریخ باستان در توجیه سیاست‌های کنونی آمریکاست.

براساس متن رسمی سخنرانی منتشرشده در پایگاه وزارت خارجه آمریکا، روبیو گفت ارتش خشایارشا پس از ورود به آتن، معابد و اماکن مقدس این شهر را به آتش کشید؛ در حالی که بیشتر شهروندان آتن پیش‌تر به جزیره‌ای نزدیک پناه برده بودند. او سپس از مقاومت یونانیان و پیروزی‌های بعدی آنان سخن گفت و تأکید کرد که میراث یونان باستان همچنان در شکل‌گیری هویت غرب نقش دارد. با این حال، آنچه واکنش مقام‌های ایرانی را برانگیخت، صرفاً اشاره به یکی از جنگ‌های شناخته‌شده دوران باستان نبود، بلکه نحوه پیوند دادن این رویداد تاریخی به تقابل‌های سیاسی و تمدنی امروز بود. نخستین واکنش رسمی را اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، نشان داد. بقائی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، روبیو را به ارائه روایتی انحرافی از تاریخ متهم کرد و نوشت که او با پیوند دادن یونان باستان، امپراتوری روم، مسیحیت، اروپا و آمریکای امروز، تاریخ غرب را به مسیری پیکارچه و از پیش تعیین‌شده تبدیل کرده است. بقائی این رویکرد را نوعی تحریف تاریخی دانست و تأکید کرد که یونان باستان تنها مظهر قدرت نظامی نبوده، بلکه خاستگاه اندیشه سیاسی، نقد قدرت و پرسش درباره مسئولیت انسان نیز محسوب می‌شود. به اعتقاد او، وزیر خارجه آمریکا با نادیده گرفتن این بخش از میراث یونان، تاریخ را به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های کنونی واکنگتن تبدیل کرده است.

محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نیز در واکنش به سخنان روبیو به بخش دیگری از تاریخ ایران اشاره کرد. رضایی با یادآوری شکست امپراتور روم در برابر شاپور اول ساسانی نوشت کسانی که از جنگ‌های تاریخی سخن می‌گویند، بهتر است همه بخش‌های تاریخ را مطالعه کنند. او همچنین اظهارات روبیو را تلاشی برای شکل دادن به روایتی از جنگ تمدنی ارزیابی کرد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز با انتشار پیامی به این سخنان واکنش نشان داد. قالیباف با اشاره به تجربه تاریخی ایران در مواجهه با قدرت‌های مهاجم نوشت کسانی که در پی تکرار میراث اسکندر هستند، باید سرنوشت والرین، امپراتور روم، را به خاطر داشته باشند. او تأکید کرد که تمدن ایران در طول تاریخ با وجود حملات متعدد همچنان پابرجا مانده است. قاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، نیز با تأکید بر جایگاه تاریخی ایران اعلام کرد که تحریف تاریخ نمی‌تواند از شکوه ملت ایران بکاهد. از سوی دیگر، علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل، به تناقض موجود در سخنان روبیو اشاره کرد و گفت نمی‌توان مقاومت یونانیان باستان را ستود، اما ایستادگی ملت ایران را نکوش کرد.

سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، نیز با تأکید بر استمرار تمدن ایرانی، خواستار سخن گفتن درباره ایران با احترام شد. مجموع این واکنش‌ها نشان می‌دهد که سخنرانی روبیو از نگاه مقام‌های ایرانی صرفاً یک روایت تاریخی نبوده است، بلکه مسئله اصلی، استفاده از جنگ‌های باستانی برای ترسیم تصویری از تقابل دائمی ایران و غرب است؛ تصویری که پیچیدگی روابط تمدن‌ها را نادیده می‌گیرد.

واقعیت آن است که تاریخ ایران و یونان تنها به جنگ‌های هخامنشی محدود نمی‌شود و مناسبات فرهنگی، فلسفی و سیاسی دو تمدن نیز بخش مهمی از میراث مشترک آنهاست. تبدیل این تاریخ چندوجهی به روایتی ساده از رویارویی شرق و غرب، بیش از آنکه به شناخت گذشته کمک کند، می‌تواند در خدمت منازعات سیاسی امروز قرار گیرد.

از این منظر، جدال تازه تهران و واشنگتن بر سر خشایارشا، صرفاً اختلافی درباره رویدادی متعلق به ۲۵ قرن پیش نیست، بلکه نشانه‌ای از آن است که چگونه تاریخ باستان همچنان در ادبیات سیاسی قدرت‌های امروز برای تعریف هویت، مشروعیت و جایگاه بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد.